

سه‌شنبه ۳۰ مرداد ۱۳۹۷، ۹ ذی‌الحجه ۱۴۳۹، ۲۱ اگوست ۲۰۱۸، سال شانزدهم، شماره ۴۱۶۶

در همین حوالی **اول شهریور، به مناسبت زادروز حسین علیزاده**

بدون او چیزی از روزگار ما کم بود



محموددولت‌آبادی

ساختن آثاری چون حصار و سوران دشت امید و نی نوا به ما گفت

خارج از قاعده فروزان آصف نخعی

نوستالژی برباد رفته



۶ ابر مشکل در کشور، دوباره به بحث‌هایی از این منظر که کشور برای برون‌رفت از این وضعیت به چه راه‌حل‌هایی نیاز دارد، دامن زده است. تجربه کشور‌های در حال گذار از سنت به مدرنیته، حاکی از آن است که توسعه سیاسی یعنی تکامل دولت، حاکمیت قانون و انتخابات آزاد و پاسخگو بودن، تنها آن زمان قابل تحقق است که در چارچوب گفتمان عدالت و مشروعیت، بسنج اجتماعی و رشد اقتصادی درآید و در نهادهای عمومی و خصوصی قابل تکرار و نهادینگی باشند.به عبارت دیگر بخش دوم بستر رشد در حوزه عمومی بخش اول به شمار می‌رود.

به نظر می‌رسد این اصول در دوره اصلاحات با تکیه بر محوریت توسعه سیاسی به‌فراموشی سپرده‌شد و غفلت از آن باعث ایجاد بحران مالی عظیمی در ایران شد. این بحران مالی که در دوره دولت‌های نهم و دهم نطفه‌اش در ایران گذاشته شد به رشد قارچ‌گونه بانک‌ها و موسسات اعتباری به نوعی سرمایه‌سالاری بی سابقه در کشور منجر شد. سرمایه‌سالاری همه آرمان‌ها و تحركات انقلاب اسلامی ۵۷ را به‌سخره گرفت واکنون نیز در برابر پیوستن ایران به کنوانسیون پالرمو فارغ از اینکه شورای نگهبان باید موشکافی لازم برای انطباق با شرع را مد نظر قرار دهد، مقاومت می‌کند.

بحران مالی‌ای که مالباختگان را روانه کف خیابان کرد، حاکی از آن است که سرمایه‌سالاری در ایران وارد فاز نوینی از انسجام‌یافتگی و فساد شده به نحوی که حل آن نیازمند برنامه علمی و بسنج اجتماعی است. فساد سرمایه‌سالاری در اواخر قرن نوزدهم که اروپا به تدریج صنعتی می‌شد، کارگران را در قالب اتحادیه‌های کارگری به حرکت درآورد. آنان برای افزایش دستمزد و ایمنی هنگام کار، خواهان حق سخنرانی در ملاء عام، حق سازماندهی و حق رای و تامین عدالت بودند تا بتوانند از طریق آن به توسعه سیاسی نیز تحقق ببخشند. این دوره با به سرعتقل آمدن سرمایه‌داری و تحقق حقوق سندیکاهای کارگری همراه بود.

این وضعیت با قدرت گرفتن سرمایه‌سالاری مالی و سرکوب کارگران و سندیکاهای کارگری به‌ویژه در دوره تاجر و ریکان توانست یک مرحله تاریخی جهان را از اهداف انسانی خودش به دور ساخته و بنیادگرایی بازار را وارد مرحله نوینی کند. اشغال جهانی‌وال استریت، پاسخی بود به سرکوب گسترده‌ای که اصحاب سیاست و جناح‌های مختلف آن با همکاری رسانه‌ها اعمال می‌کردند. از این منظر جنبش اشغال وال استریت بازگشتی است محتوایی و نه شکلی، به بسنج اجتماعی، بحث عدالت و رشد اقتصادی که در اواخر قرن نوزدهم میان کارگران و سندیکاها رواج پیدا کرده بود. جنبش اشغال وال استریت می‌خواست دوباره جامعه را از پایین به بالا سازمان بدهد، فضاهای خودمختاری برای زندگی را تقویت و با تامین استقلال خود بر اشکال مختلف کنترل ایدئولوژیکی و سیاسی نظام سرمایه سالارانه غلبه کند.

در ایران نیز مشرووعیت مدنی در مرکز ساختار گفتمان مشروطیت قرار داشت. از اجزای اصلی این گفتمان به گفته ابراهیمیان استقلال، ملی‌گرایی، مشروط‌سازی قدرت پادشاه به قانون اساسی است. در این گفتمان بسنج سیاسی به منظور اصلاحات سیاسی صورت می‌گرفت. در دوره نهضت ملی هر چند اقتصاد کشور در محاصره شکوفاشد، ولی استراتژی گفتمان نهضت بر تقویت دموکراسی پارلمانی، استقلال و مشروط‌سازی قدرت پادشاه به قانون اساسی مبتنی بود.

در گفتمان جمهوریخواهی در انقلاب اسلامی ۵۷، آزادی، استقلال، نفی نظام سلطنتی، برقراری نظام مردم‌سالار دموکراتیک، محور حرکت بود. در دوم خرداد ۷۶ نیز توسعه سیاسی بر محوریت قانون‌گرایی، مشروط‌سازی قدرت حاکمان و حقوق مدنی شهروندان تاکید می‌کرد. از چکیده فوق برمی‌آید که گفتمان عدالت، بسنج اجتماعی برای تامین حقوق افراد و رشد اقتصادی مبتنی بر تامین پاسخگویی به نیاز افشار مختلف و احیای زندگی آنان، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده باشد.

اکنون که به سخنان مالباختگان و فرودستان گوش می‌دهیم مشخص می‌شود که عبور از دو جناح اصلاح‌طلب و اصولگرا، به معنای عبور از اصلاحات نیست. بلکه به معنای این است که از نظر آنان هر یک از دو جناح برای تحقق طرحی که به طور نسبی عدالت را در زندگی آنان معنا و تحقق کند و اجازه دهد تا حوزه‌های خودمختار سلوک شخصی‌شان را غنی و ممنوی سازند، آن گونه که انقلاب ۵۷ در ابتدا چنین تجربه‌ای را میسر کرده بود، متنی است، ضمن آنکه از منظر آنان توسعه سیاسی نیز در این وانفسا وجه‌الصل‌الحای برای سکوت بیشتر و تداوم سرمایه‌سالاری شده است.

دمی با قدما

رضاضیا

شعر عبید، به نام خیام



دوران جهان بی می و ساقی هیچ است بی زمزم سازِ عراقی هیچ است هر چند در احوال جهان می‌نگرم

حاصل همه عشرت است و باقی هیچ است

این رباعی در چاپ‌های خیام، تهداد تصحیح هدایت آمده است و در طبع‌های معتبر نیست و در منابع کهن نیز به اسم خیام نیامده است.

البته با صورت زیر

دوران بقای می و ساقی حشواست

بی زمزم‌نای عراقی حشواست

چندانکه فذالک جهان می‌نگرم

بازر همه عشرت است و باقی حشواست

در ص ۱۲۸ دیوان عبید زاکانی (به نقل از هفت

نسخه خطی) و نیز در ص ۲۱۹ چاپ عکسی بیاض

علامرندی به نام «رشید و طوطا» آمده است که به

دلالی که اینجامجال ذکرش نیست، این انتساب

درست نیست و شعر باید از همان عبید زاکانی باشد.

پیداست که صورت اخیر، وجهی اصل‌تر و کهن‌تر

است. شاملو (به نقل از هدایت) «دوران جهان»

خوانده، که هر چند دوران/ جهان، نوعی موسیقی

دارد ولی «دوران بقا» معنی سراسر‌تر است دارد.

«فذالک» یعنی «باقی و بقیه چیزی، حاصل و…»

کسی که «حشوا است» را به «هیچ است» و بیت

دوم را به صورت مشهور فعلی برگردانده، خیلی

خوش ذوق‌تر از عبید بوده و به رباعی جانی تازه

بخشیده است. عبید می‌خواست به «حاصل و باقی

و فذالک و حشوو و بارز» (که جملگی اصطلاحات

استیفاء/حسابداری است) مجموعه‌ای از تناسبات

اقتصادی بسازد. کاری که «حرفه‌ای‌ها»ی زمان

خودش را به تحسین و امی داشته، ولی آنکه شعر

را به صورت معروف فعلی تحریف کرده، چشم‌انداز

و وسیع‌تر از زیبایی در نظر داشته البته، گویا «ساز

عراقی» کار خود شاملوست و گر نه در همه‌جا «نای

عراقی» آمده است.

متن در حاشیه

برای او که با آبرو مُرد



کاوه فولادی‌نسب

ا س من و هم‌نسل‌هایم –که هنوز به چهل نرسیده با این چشم‌های‌مان کلی بدایع از انسان عجایب‌المخلوقات دیده‌ایم– از آن روز تصویری در ذهن‌مان حک شده که بعدی‌است هرگز آن را فراموش کنیم.

در این تصویر، آقای بازیگر، عزت‌الله انتظامی فقید، نشسته روی صندلی‌ای و رئیس‌جمهور وقت و مشاور ارشدش دو طرف ایشان نشسته‌اند. تصویر گروتسکی بود؛ آن هم در آن روزهای ملتعب، در کوران اولین انتخابات ریاست‌جمهوری بعد از انتخابات پرمناقشه ۸۸ هشت سال از کشورداری دولت بهار می‌گذشت و کشور حال و روزی خزان‌ی داشت.

اصلاح‌طلبان هنوز نتوانسته بودند تجدید قوا کنند و جریان اعتدال هنوز شکل نگرفته بود. دیدن تصویر استناد انتظامی، میان آن دو نفر بسیاری از ما را شوکه کرد. بعضی‌ها بی‌تامل و مدارا شروع به نقد کردند و بعضی‌های دیگر مان، بهت و بغض را در گلو نگه داشتیم تا خود استاد توضیحی در این باره نداشت.

اصلاح‌طلبان هنوز نتوانسته بودند تجدید قوا کنند و جریان اعتدال هنوز شکل نگرفته بود. دیدن تصویر استناد انتظامی، میان آن دو نفر بسیاری از ما را شوکه کرد. بعضی‌ها بی‌تامل و مدارا شروع به نقد کردند و بعضی‌های دیگر مان، بهت و بغض را در گلو نگه داشتیم تا خود استاد توضیحی در این باره نداشت.

در دو روز گذشته هشتک «نادر فتوره‌چی» در توئیتر فارسی بالا آمده و تویت محمود صادقی نماینده مجلس که تهیه‌کننده سریال را تهدید کرد اگر فتوره‌چی را آزاد نکند ابعاد تازه‌ای از پرونده ضحوق فرهنگیان را منتشر می‌کند، این هشتک را داغ‌تر کرد.

فارغ از هر قضاوت و جهت‌گیری خاصی، تویت‌هایی که می‌خوانید منتخبی از نوشته‌های اهالی توئیتر فارسی است که در هشتک «نادر فتوره‌چی» دیده شده است:

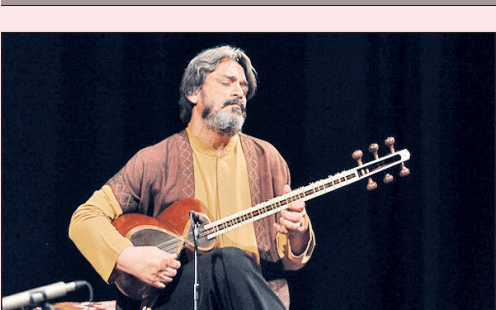
«م‌دیم و این آقا فردا قبل از ظهر به قید وثیقه آزاد شد، ما از

زنده‌جوشی زندگی اجتماعی به چه میزان و اندازه می‌تواند اثربخش بر خلاقیت هنری باشد، همچنین گفت چه ظرفیت و قابلیت‌هایی در موسیقی می‌توان کشف و آرایه کرد بسیار دور و دورتر از نغمه نواهای خمود و دلگیر که موسیقی به اصطلاح ملی و عملا «مجلسی» ما را مغلوب کرده‌است.

پس با سرفرازی زادروز حسین علیزاده را فرخنده باد می‌فرستم و آرزومند بهتری‌ها برای وی هستم.
تهران، پایانه مرداد ۱۳۹۷ خورشیدی

Info@etemadnewspaper.ir

www.etemadnewspaper.ir



تیتیر مصور | ترامپ در جست‌وجوی صلح

مظفر بالچی



بدهند؛ هر چه باشد، عزت‌الله انتظامی کم کسی نبود و به این سادگی‌ها نمی‌شد به هر تیغ نقدی صورتش را خراشید.

به یک هفته نکشید که نامه آقای بازیگر رفت روی خروجی خبرگزاری‌ها. در آن نامه آقای انتظامی توضیح می‌دادند که برای کارهای «بنیاد فرهنگی

و هنری عزت‌الله انتظامی» مکانات و رازینی‌هایی کرده بودند و در آن روز کذایی با ایشان تماس

می‌گیرند که به دفتر ریاست‌جمهوری بروند و طبعاً ایشان فکر می‌کنند موضوع دیدار و گفت‌وگو

بنیاد است.

به این هوا ایشان را از خانه بیرون می‌کشند و

در این صورت، آقای بازیگر، عزت‌الله انتظامی در آن نامه

خطاب به ملت ایران توضیح داده بودند که «درب

سالن ناگهان باز شد و جمعیت حمله کرد داخل…

ناگهان دیدم آقای مشایی و آقای رئیس‌جمهور

و چند نفر دیگر که همراه آنها بودند، از رویبر و به

طرف من می‌آیند.

آقای مشایی طرف چپ من و آقای رییس‌جمهور

طرف راست من نشستند.

ناگهان اطراف‌مان پر شد از دوربین‌های عکاسی.

آقای مشایی گفت: «چی شده؟ به خرده شاد

باشین!» من حرفی نداشتم که بزنم.

عکاس‌ها تند و تند عکس می‌گرفتند. عکس‌شان را

که گرفتند، محل را ترک کردند و من باز همان جا

بهت‌زده وسط آن صندلی سه‌نفره تنها ماندم.» (به

...

www.etemadnewspaper.ir

info@etemadnewspaper.ir

www.etemadnewspaper.ir

آیین نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه اعتماد را در سایت بخوانید

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول:** الیاس حضرتی
- جانشین مدیرمسئول و رئیس شورای سیاستگذاری:** بهروز بهزادی
- سردبیر:** سیدعلی میرفتاح
- معاون اجرایی:** حجت طهماسبی
- مشاور مدیرمسئول:** محمدحضرتی
- رئیس سازمان آگهی‌ها:** علی حضرتی
- نشانی:** خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، پن بست مینو
- تلفن:** خانه ۰۲۵-۶۶۱۲۴۰۶۶ – ۰۲۴-۶۶۱۲۴۰۲۱؛ نمابر: ۰۲۱-۶۶۱۲۴۰۶۶
- توزیع:** نشر گستر امروز ■ تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰
- چاپ:** نشر روزتاب ■ تلفن: ۰۲۱-۴۴۵۴۵۰۷۶

■ اذان ظهر: ۱۲/۰۱۳ ■ غروب آفتاب: ۱۹/۴۷ ■ اذان مغرب: ۲۰/۰۶ ■ اذان صبح فردا: ۴/۵۸ ■ طلوع آفتاب فردا: ۶/۲۸

نگاه آخر

علیرضانیان‌کان

اسماعیلت را قربانی کن

حج در لغت به معنی اراده و آهنگ‌است. اراده از خود فراتر رفتن و در این راه اولین گام، قدم‌نهان در میقات است. لباس احرام، لباس نیست، کندن لباس است و آزادو ره‌اشدن از قفس آزادی. از قفسی که خود برای خود بافته‌ایم. لباس در باب افتعال (التباس) یعنی شبیه و فریب. باید آن را از تن درآوریم. چرا که قرار است از خود فراتر رویم و لباس هم خود یک مانع است. لباس‌ها چون تفاخر دارند، باید کنده شوند. شایع‌ترین روش فریب شیطان، غرور است. غرور هم به معنای تکبر و هم در معنی فریب آمده‌است.

در میقات که وقت و محل حضور است، باید منیت را نهانیم. تالایق ششوم، منیت و غروری که در لباس است… احرام کفن است نه لباس. «هو تا قبل ان تموتوا»

همه متحدالشکل و به سوی یک هدف. باید منیت را در میقات و انهمیت تاسک‌بار گردیم و نماز احرام در میقات به‌شکرانه سبک‌باری است. در آنجای تن نباید به این‌هم نگاه کنیم یا عطری بزنیم و… هر چه رنگی از منیت دارد، باید بگذاریم و بگذریم که ما از این عالم خاکی نیستیم. این‌هم‌مظهر جمال است. باید ادر آن پندل بنگریم و خدا را در این‌دل ببینیم و احساس کنیم هر قدم از خود دور می‌شویم و به‌اون‌دیک‌تر؛ چه اینکه عالم محضر خداست. باید به این یقین برسیم که در فروتنی و خشوع است که به‌شکوه و جلال می‌رسیم. راه رو پیچ و خمی را طی می‌کنیم و اینک کعبه‌ام‌مظهر شکوه، عظمت و سادگی، سنگ‌نشانی که راه‌گم‌نشد. اگر در میقات خسی شویم، در اینجا کسی می‌گردیم و آن‌گاه طواف به‌دور دوست‌گشتن و اینک این‌خای مهربان و خالق زیبایی‌هاست که تو را نظاره می‌کند و فریاد لیکت را می‌شنود که او سمیع و بصیر است. در طواف باید از خود بی خود شویم، مانند پروانه‌ای که

بی‌پروا بر گردش می‌گردد تا عاشقانه در آتش بسوزد و عشقش را ثابت کند. اینجا خداوندیک‌تر از قمیمشه و همه جا احساس می‌شود. آن‌گاه در مقام ابراهیم او را یاد می‌کنیم که خدا پیوسته و سنگین امتحان و ابتلاش کرد. باید ابراهیم را درون آتش بریزیم و یقین داشته باشیم که آتش برای ما نیز همچون گلستان می‌شود. سعی صفا و مروه با تاسی به هاجر است که باید از خود هجرت کنی و تا زمانی که از خود هجرت نکنی به وصال او ناائل نمی‌شوی و این باید با هروله باشد. تابدانی که راه سکون و توقف نیست. تلاش است و حرکت.

وقوف در عرفات و مشعر برای آگاهی و شعور است. باید به این آگاهی رسید. عرفات محل شناخت است و ایمان فراتر از شناخت که البته از رهگذر آن حاصل می‌شود. باید در شب مجهز شوی و سلاح جمع کنی. ریگ‌هایی نه درشت و نه ریز. فردا روز نبرد و پیکار است. حمله به نماد شیطان و البته شیطانی که در درون توست، رمز رمی جمرات مبارزه با نفس و امیال درونی است. منی طولانی‌ترین وقوف و سنگین امتحان است. منی و تمنا به معنی آرزوست. نباید هیچ آرزویی جز خدا در دل داشته باشیم و دهم‌دیج‌به حج به‌تمام نزدیک می‌شود و تنها قربانی مانده است. نماد قربانی، اسماعیل ذبیح‌الله‌است.

تو که از مقام ابراهیم گذشتی، باید ببینی اسماعیل تو کیست؟ مهم‌ترین سرمایه و دارایی ابراهیم خلیل‌الله در سن پری‌فرزندش اسماعیل بود که او را به قربانگاه برد. تو نیز باید نیک‌بنگری که اسماعیل تو کیست یا چیست؟ آنچه مورد علاقات، است هر چه فکر و ذهنت را به خود مشغول کرده باید قربانی شود. شاید آن چیز فرزند، همسر، پدر، مادر یا مالوت باشد. خلاصه هر چه و هر که را بیشتر دوست داری، باید به مسلح بیآوری. شاید، اسماعیل موقعیت اجتماعی یا علمی‌ات باشد. هیچ چیز نباید در دلت وجود داشته باشد. تاصداق این بیت شاعر نگردي که:

حتی خیال نای اسماعیل خود را همسایه با تصویری از خنجر نکرديم
باید به معنی واقعی کلمه سبکبار شوی تا برگیری و پرواز کنی و تنها خدا را ببینی. اسماعیل را قربانی کن.

عکس نوشت



سال‌های سال است که می‌گوییم و هشدار می‌دهیم؛ آسیب‌زدن به آثار باستانی، بزرگ‌ترین جنایت در حق نسل‌های آینده و میراثی است که قرن‌پشت قرن به‌دست ما رسیده. اما این هشدارها همچنان شنیده نمی‌شود. همین‌طور که در عکس می‌بینید گردشگری از حفاظ‌شیش‌های مجسمه قدیمی در تخت جمشید بالا رفته، روی مجسمه ایستاده و بالیند به دوربینی نگاه می‌کند که همراهش در عکس به سمت او گرفته. اگر کمی دقت کنید، نه تنها این گردشگر که حتی بقیه آدم‌های عکس هم توجهی به این رفتار ندارند و لبخند زنان از کنار این فاجعه فر هنگی ردمی‌شوند. عکس را اینجا منتشر کرده‌است.